

Analyzing the Components of Cohesion in Surah al-Naba' Based on Halliday's Textual Metafunction Model

Ahmad Teymori Bazgari¹ ; Seyed Hossein Seyedi² ; Ahmadreza; Heydarian Shahri³ 

1. PhD student of Arabic Language and Literature, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad Iran Email: ahmad.tmr@mail.um.ac.ir
2. Professor of Arabic Language and Literature, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Iran, (corresponding author) Email: seyedi@um.ac.ir
3. Associate Professor of Arabic Language and Literature, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad Iran Email: heidaryan@um.ac.ir

Research Article



Abstract

A linguistic perspective on the Noble Qur'an opens new horizons in Qur'anic Studies. The theories of Michael Halliday, a prominent figure in functional linguistics, have garnered significant attention from many linguists today. Halliday identifies three primary metafunctions within language: the ideational, the interpersonal, and the textual, which correspond to organizing three layers of meaning. This study, using a descriptive-analytical method, revisits the discourse analysis of Chapter 78 [Surah al-Naba'] within the framework of Halliday's Textual Metafunction Theory. By examining the thematic and information structures of Chapter 78 [Surah al-Naba'] and understanding the techniques for creating cohesion, we found that the discourse in this Chapter [Surah] is structured around a question-and-answer format. Various components contribute to the cohesion of its content, and the use of these cohesive techniques—whether grammatical, lexical, or semantic—varies. The first and most important factor in textual unity and cohesion within this Chapter [Surah] is its lexical and linguistic elements, with repetition, in its various forms, having the highest frequency.

Keywords: Noble Qur'an, Functional linguistics, Textual metafunction, Michael Halliday, Surah al-Naba'

Received: 2023-11-01 | Received in revised form: 2024-02-08 | Accepted: 2024-02-26 | Published online: 2024-10-22

◆ How to cite: Teymori bazgari, A., seydi, S. H., Heydarian shahri, A. (2024). Analyzing the Components of Cohesion in Surah al-Naba' Based on Halliday's Textual Metafunction Model. *Stylistics Studies of the Holy Quran*, 8(2), 98-117. doi: 10.22034/sshq.2024.423251.1391

©The Author(s). Article type: Research Article Published by: Department of Qur'anic Exegesis and Sciences



تحلیل مؤلفه‌های انسجام در سوره نبا بر اساس الگوی فرانقش متنی هالیدی

احمد تیموری بازگری^۱، سید حسین سیدی^۲، احمدرضا حیدریان شهری^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد ایران.

پست الکترونیک: ahmad.tmr@mail.um.ac.ir

۲. استاد زبان و ادبیات عربی، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد ایران.

(نویسنده مسؤول). پست الکترونیک: seyedi@um.ac.ir

۳. دانشیار زبان و ادبیات عربی، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد ایران.

پست الکترونیک: heidaryan@um.ac.ir

پژوهشی



چکیده

بررسی قرآن از منظر زبان‌شناسی چشم اندازه‌های نوینی را به روی پژوهش‌های قرآنی گشوده‌است. نظریات مایکل هالیدی یکی از رویکردهای زبان‌شناسی نقش‌گراست که توجه زبان‌شناسان فراوانی را به خود جلب کرده‌است. هالیدی برای بخش‌های گوناگون کلام فرانقش‌های سه‌گانه‌اندیشگانی، بینافردی و متنی قائل شده و مثل آنها سه لایه معنایی را ساماندهی کرده‌است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بازبینی تحلیل گفتمان سوره نبا در سطح فرانقش متنی طبق فرضیه نقش‌گرای هالیدی می‌پردازد، از این رو با بررسی شکل مبتدا خبری و اطلاعی سوره نبا و درک اجزا و فنون خلق همبستگی دریافتیم که سوره نبا از دیدگاه گفتمان بر اساس مکالمه پرسش و پاسخ بوده و در همبستگی متن آن مؤلفه‌های متعدد و گوناگونی مؤثر است که میزان بهره‌گیری از این فنون همبستگی دستوری لغوی یا معنایی با هم متفاوت است. اولین و مهمترین عامل اتحاد و همبستگی متن در این سوره، عناصر واژگانی و لغوی است و عنصر تکرار با ابعاد مختلفش بسامد بیشتری دارد.

کلیدواژه: قرآن کریم، زبان‌شناسی نقش‌گرا، فرانقش متنی، مایکل هالیدی، سوره نبا.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۱/۱۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵

◆ استناد به این مقاله: تیموری بازگری، احمد، سیدی، سید حسین، حیدریان شهری، احمدرضا. (۱۴۰۳). تحلیل مؤلفه‌های انسجام در سوره نبا براساس الگوی فرانقش متنی هالیدی. *مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم*، ۲(۸)، ۹۸-۱۱۷. doi: 1022034/sshq.2024.423251.1391

© نویسندگان نوع مقاله: پژوهشی ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم



۱- مقدمه

از مباحث مهم و اساسی در فهم معانی قرآن کریم، انسجام متنی سوره‌ها و تناسب بین آیات آن است. از میان نظریات زبان‌شناسی در این حوزه «نظریه زبان‌شناسی نقشگرا» بیشترین سهم را دارد. این نظریه به بررسی کیفیت انسجام متن و روابط بین متنی می‌پردازد، که از این رو می‌تواند برای محققان در تحلیل گفتمان قرآن کریم قابل استفاده باشد. هالیدی از زبان‌شناسان مکتب نقشگرایی است که پژوهش در زمینه‌ی ساختمان متنی کلام را مدنظر خود قرار داده و تلاش در بررسی صورت زبان در خصوص معنا و نقش آن نموده‌است. در تحلیل گفتمان هالیدی دقت در کلام در کنار صورت آن، الزامی است. در این پژوهش از بین سوره‌های قرآن کریم سوره نبا را به دلیل اهمیت آن به عنوان یکی از سوره‌های بیانگر سرنوشت انسان انتخاب کردیم تا بر حسب نظریه نقشگرای هالیدی به تحلیل گفتمانی آن بپردازیم؛ با نگاه به این که نظریه نقشگرای مایکل هالیدی درباره‌ی زبان بسیار گسترده‌است و پرداختن به همه‌ی دیدگاه‌ها و زوایای مختلف آن در این مقاله نمی‌گنجد، بنابراین تنها به بررسی فرانش متنی آن بسنده کردیم. جستار حاضر به دنبال پاسخگویی به سؤالات ذیل است:

- ۱- عملکرد الگوی فرانش متنی هالیدی در تحلیل گفتمان سوره نبا چگونه‌است؟
- ۲- استعمال شاخص‌های گفتمان مدار در این سوره چه بعدی از آن را بیشتر نمایان میکند؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

بر اساس پژوهش‌های انجام شده تاکنون تحقیقی جداگانه در حیطه‌ی بازبینی چارچوب متن سوره نبا بر پایه نظریه نقشگرای هالیدی انجام نگرفته‌است؛ اما از میان تحقیق‌هایی که درباره‌ی تحلیل گفتمان قرآن و متون مذهبی و... انجام شده می‌توان نمونه‌های زیر را ذکر کرد:

- خالد المعوش در کتاب *گفتمان قرآن بررسی زبان‌شناختی پیوند متن و بافت قرآن* (۱۳۹۴)، که توسط سیدی ترجمه شده‌است به بازبینی گفتمان سوره‌ی بقره پرداخته و در تلاش کشف رابطه‌ی میان متن و بافت در سوره‌ی بقره با تکیه بر نظریه نقشگرای هالیدی است، برای این هدف شاهد آنیم که نویسنده گاه‌از نگرش توصیفی و گاه‌از نگرش اجتماعی بهره گرفته و برای دستیابی به ساخت زبانی متن از دو محور در زمانی و همزمانی استفاده نموده‌است.

- مقاله‌ی «بازبینی همبستگی و پیوستگی در سوره‌ی صف با هدف زبان‌شناسی نقشگرا هالیدی» (۱۳۹۲)، نوشته‌ی طاهره‌ایشانی و معصومه نعمتی با بیان عناصر انسجام بخش

هالیدی به تحلیل یکایک این عناصر در سوره‌ی مبارکه صف پرداخته‌است. نویسندگان با به کارگیری روشی علمی و نه تنها نظری به این نتیجه دست یافته‌اند که سوره صف با وجود داشتن گوناگونی محتوا از همبستگی و استمرار بالایی بهره‌مند است.

- مقاله‌ی «بازخوانی گزاره (انما البیع مثل الربا)» (۱۳۹۵)، تحلیلی سه سطحی بر پایه زبان‌شناسی نقشگرا اثر محمود کریمی و محمد حسن و محمد حسین شیرزاد عنوان مقاله‌ی دیگری در این بخش است. نویسندگان در این تحقیق با استفاده کردن از نگره‌ی نقشگرای مایکل هالیدی دست به بازخوانی این تفسیر زده‌اند و آن را در سه سطح فراتنش اندیشگانی و بینافردی و متنی مورد مطالعه قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیدند که چگونگی چیدمان واژگان در این تفسیر مبتنی بر نظریه نقشگرای هالیدی غیر طبیعی نبوده به علاوه در زمان تولید این تفسیر برای مخاطبان قابل فهم و انعکاس دهنده ساختار اقتصادی شبه جزیره بوده‌است.

- پایان‌نامه «بررسی انسجام دستوری و واژگانی سوره هود (با تکیه بر نظریه هالیدی و حسن)»، نوشته معصومه رحیمی (۱۳۹۳) جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی در دانشگاه الزهراء (س) در این پژوهش نویسنده به عوامل انسجامبخش دستوری و واژگانی پرداخته‌است که در این میان میزان بسامد عوامل دستوری بیش از عوامل واژگانی است.

- پایان‌نامه «بررسی انسجام سوره مومنون با تکیه بر نظریه هالیدی و حسن (۱۹۲۶)»، نوشته سمیه رحیم‌زاده (۱۳۹۴) جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی در دانشگاه الزهراء (س). مؤلف در این پژوهش عوامل انسجام بخش متن از جمله دستوری و واژگانی را که هالیدی و حسن معرفی کرده‌اند مورد بررسی قرار داده و در سطح آوایی نیز از نظر زبان‌شناسان عرب استفاده کرده‌است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که عناصر دستوری نقش بالایی در انسجام بخشی متن سوره داشته‌است.

- پایان‌نامه «مقایسه عوامل انسجامی در سوره‌های نمل و فجر و ترجمه فارسی آنها»، نوشته لیلا پاینده (۱۳۲۲) جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی در دانشگاه پیام نور. نویسنده، این پژوهش را با تکیه بر اصول سخن کاوی و نظریات هالیدی و حسن به بررسی عوامل انسجامی در سوره‌های نمل و فجر و ترجمه فارسی آنها از الهی قمشهای پرداخته‌است و بطورکلی نتایج حاصل از تحقیق بر این اساس است که عوامل انسجام متن سوره‌ها با ترجمه‌ان مطابقت کامل ندارد، و عامل ارجاع بیشترین نمود را هم در متن سوره‌ها و هم ترجمه‌انها دارد.

- مقاله «عوامل انسجام در سوره زلزال (بر اساس نظریه هالیدی و حسن)»، از احمد پاشا زانوس و مریم نبی‌پور (۱۳۹۶) با وجود اینکه سوره زلزال از سوره‌های کوتاه قرآن کریم

است، انسجام بسیار بالایی دارد و تمامی عناصر انسجام در این سوره دیده میشود در سطح واژگانی، تکرار و در سطح دستوری، ارجاع بیشترین نقش را در انسجام این سوره دارند و تمامی آیات سوره زلزال در غایت انسجام و هماهنگی هستند و روابط تنگاتنگی باهم دارند. مقاله «بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف با رویکرد زبان‌شناسی نقشگرا»، از طاهره‌ایشانی و معصومه نعمتی قزوینی (۱۳۹۲) این پژوهش با رویکرد زبان‌شناسی نقشگرا به بررسی کمی انسجام براساس نظریه‌انسجام و پیوستگی هالیدی و حسن و با روشی علمی در سوره صف پرداخته‌است، نتایج حاکی از آن است که این سوره علی‌رغم تنوع مضمون، از انسجام و پیوستگی بالایی برخوردار است.

۲. زبان‌شناسی نقشگرا و نظریه مایکل هالیدی

زبان‌شناسی نقشگرا ابتدا با مطالعات زبان‌شناسان مکتب پراگ آغاز شد. انجمن زبان‌شناسی پراگ در سال ۱۹۲۶ تشکیل شد و تا قبل از جنگ دوم جهانی خصوصاً بر زبان‌شناسی اروپا اثر زیادی بر جای گذاشت. محققان مکتب پراگ پیوسته خود را مدیون زبان‌شناسی ساختگرای سوسور می‌دانستند هر چند که بعضی از نظرات او را مخصوصاً فرق بسیار بین زبان‌شناسی همزمانی و در زمانی و همچنین وحدت نظام زبان را رد می‌کردند. (لاینز، ۱۹۸۴: ۲۲۴). زبان‌شناسان نقشگرا بر نقش‌های زبانی تأکید می‌کنند و صورت زبانی را تحت تأثیر آن می‌دانند، براین اساس زبان وسیله‌ای برای ارتباط اجتماعی است. مقیاس تحلیل متن ساختار است. در این معنا نسبت واحدهای زبانی و روابط صوری آنها ساختار است که معانی خاص را افاده می‌کنند. (هالیدی، ۱۹۸۵: ۴۰-۲۰) بافت (context) و کارکرد (function) دو کلید واژه‌ی زبان‌شناسی نقشگراست. در تلقی نقشگرایان معنا همان کاربرد است و مطالعه زبان در کاربرد آن انجام می‌شود. بافت و کارکرد و ارتباطات بین آنها، معنای غیر زبانی را نیز در تحلیل زبان وارد می‌کند که در واقع مقدمه‌ای برای ورود موضوعات گفتمانی به این جهت‌گیری است. گفتمان در این تلقی مطالعه‌ی جامع زبان به هنگام استعمال و در ساختار آن است، بنابراین ساده سازی زبان به صورت واحدهای، کوچکتر حق مطلب را اعاده نمی‌کند. (ر.ک: یورگنسن و فیلیپ ۲۰۰۲: ۲۸-۲۰).

یکی از بارزترین چهره‌های زبان‌شناسی نقشگرا، مایکل هالیدی می‌باشد. هالیدی نگرش خود را نقشگرایی خواند؛ زیرا معتقد است اندیشه‌های او نسبت به زبان بیشتر استوار بر نقش ویژگی‌های زبانی است تا صورت آنها و در توضیح این نگرش می‌گوید: این دستور دستوری نقشگراست؛ چون بر پایه چگونگی استعمال زبان طراحی شده‌است. هر متنی چه گفتاری چه نوشتاری، ساختار کاربردی خود را پیدا می‌کند (آقا گل زاده، ۱۳۹۴: ۸۸). تعدادی از محققان برآنند که کتاب هالیدی و رقیه حسن با نام نظام وارگی در زبان انگلیسی که در سال ۱۹۷۶م منتشر شد، بهترین نمونه از منظر زبان‌شناسی توصیفی در مسأله‌ی پیوند میان متن

و بافت می‌باشد. (سیدی، ۱۳۸۸: ۴۰). هالیدی همیشه بیش از آنکه به محرک‌های مربوط به پروسه‌های روان شناختی توجه کند به علت‌های اجتماعی و فرهنگی پرداخته‌است. در حقیقت بعد اجتماعی در دستور سازمان یافته نقشگرا بسیار چشمگیر است. در این دستور مفهوم «دستور مستقل» به کلی رد شده‌است؛ چون این فرضیه به شدت بر معنی معطوف است و نمونه‌های نحوی را فقط سازوکاری برای بازشناسی معنی می‌داند، یعنی وسیله‌ای برای هدف (باتلر، ۲۰۰۴: ۷۰۱)؛ در حقیقت هالیدی ترجیح می‌دهد برای فاصله گرفتن از منظری که نحو را در برابر معناشناسی و کاربردشناسی می‌داند «اصطلاح نحو» را به کار نبرد و برای تأکید بر این ادعا که دستور و واژگان دو نوع کاملاً متمایز از الگوسازی نیستند حتی قسمتی از یک سطح واحدند که فقط درجه‌ی آنها با یکدیگر متفاوت است و نه نوع آنها از اصطلاح «واژه و دستور» استفاده کند؛ از این رو دستور نظام مند نقشگرا یک دستور معنایی است (باتلر، ۲۰۰۴: ۷۰۱)؛ هالیدی همه‌ی زبانها را بر پایه سه معنای اساسی تنظیم می‌کند که آن سه عبارت اند از: الف-معنای اندیشگانی ب-معنای بینافردی ج-معنای متنی (آقا گل زاده، ۱۳۹۴: ۸۸) این ویژگی‌ها را در این فرضیه فرانتش‌ها می‌نامد. فرانتش اندیشگانی به دنبال فهمیدن محیط و جابجایی اطلاعات می‌باشد و فرانتش بینافردی برای اثرگذاری بر دیگران می‌باشد و در کنار این دو فرانتش، فرانتش متنی پیوند دو نقش قبلی با یکدیگر است. (همان، ۸۹ و ۸۸). در این زمان تصمیم نداریم تا تعریف کاملی از یکایک این فرانتش‌ها عرضه نماییم به علاوه فقط توجه خودمان را متمایل به فرانتش متنی کرده‌ایم که هدف از تحقیق ماست.

۱-۲. فرانتش متنی

این فرانتش، پیوسته با ساختار متن مرتبط است و برای شنونده روشن می‌سازد که چگونه پیام‌ها منتقل می‌گردند و پیوند میان پیامهای فعلی با آنچه قبلاً اشاره شده، چیست؟ هالیدی در رابطه با این فرانتش بیان می‌کند؛ اما فرانتش سومی وجود دارد که به نوبه‌ی خود برای دو فرانتش دیگر سودمند است به وسیله‌ی این فرانتش زبان می‌تواند ضروریاتی که از آن انتظار می‌رود را برآورده سازد؛ چرا که با ایجاد متن سر و کار دارد. از طریق این فرانتش است که زبان با خودش و با موقعیت رابطه برقرار می‌کند و گفتمان عرصه وجود می‌یابد؛ زیرا بدین گونه‌است که گوینده یا نویسنده می‌تواند متن تولید کند و شنونده یا خواننده متن را درک کند. (هالیدی، ۲۰۰۴: ۹۳).

فرانتش متنی دربرگیرنده‌ی دو بخش ساختاری و غیر ساختاری است. بخش ساختاری آن به مطالب وابسته به بند، فراگیرتر از آغازگر گروه فعلی اسمی، قیدی و حرف اضافه‌ای و ساخت اطلاع مربوط می‌شود، و قسمت غیر ساختاری آن مربوط به همبستگی است. (همان، ۲۸).

ساخت مبتدا- خبری به معنای آن است که دو نقش مبتدا و خبر وجود دارد که با هم نظام مبتدا- خبری را تشکیل می‌دهند. این نظام از ساختار بند سخن می‌گوید و به آرایش و چینش کلمه‌ها و جمله‌ها در بند دقت می‌کند. (هالیدی، ۲۰۰۴: ۹۳).

۳-۳. ساخت اطلاع: «حاصل کشمکش میان چیزی است که از قبل دانسته و شناخته می‌شود و آن چیزی است که نادانسته و ناشناخته بوده‌است. از دیدگاه هالیدی از همین تأثیر و تأثر میان جدید و قدیم است که اطلاع تولید می‌شود؛ از این رو ساختار اطلاع متشکل از دو عنصر اطلاع نو و اطلاع کهنه است؛ اطلاع کهنه آن بخشی از واحد اطلاعاتی را شامل می‌شود که پیش از آنکه در جمله بازگو شود، به نوعی نمونه موقعیتی یا بافت متنی بر مخاطب آشکار بوده‌است. این در حالی است که اطلاع نو بر قسمتی از واحدهای اطلاعاتی شامل می‌شود که قبل از ارائه‌ی آن در جمله، مخاطب نسبت به آن اطلاعی نداشته‌است (ر.ک: هالیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۸۹؛ شیرزاد، ۱۳۹۵: ۵).

۳-۴ همبستگی از نظر هالیدی همبستگی یک مفهوم معنایی است و به روابط معنایی موجود میان اجزای درون متن گفته می‌شود که آن را به عنوان متن مشخص می‌کند. همبستگی هنگامی برقرار می‌شود که تعبیر و تفسیر اجزایی از متن به تعبیر و تفسیر دیگر اجزای متن وابسته باشد (هالیدی، ۱۹۷۶: ۴) هالیدی این عوامل را تحت سه عنوان دستوری واژگانی، پیوندی ارائه داده‌است.

کلیات سوره نبأ

نام سوره و زمان نزول: این سوره هفتاد و هشتمین سوره قرآن کریم و در «مکه» نازل شده و دارای ۴۰ آیه است. به طور کلی محتوای سوره خبر از فرارسیدن قیامت، بیان ویژگی‌های آن روز بزرگ، حتمی بودن وقوع آن، و سرانجام انسان و حالات گروه‌های مختلف انسان‌ها در آن روز است.

محتوای این سوره را می‌توان در چند بخش فشرده کرد:

- ۱- پرسشی که در ابتدای سوره، از واقعه بزرگ (نبأ عظیم) یعنی روز قیامت بیان شده‌است.
- ۲- شرح مثال‌هایی از نشانه‌های قدرت خداوند در آسمان و زمین و زندگی انسانها- به عنوان دلیلی بر احتمال معاد و رستاخیز.
- ۳- در قسمت دیگر قسمتی از نشانه‌های آغاز قیامت را بیان می‌دارد.
- ۴- در قسمت دیگری گوشه‌ای از شکنجه‌های ترسناک عصیانگران را بیان می‌کند.
- ۵- به تبع آن بخشی از نعمتها و پاداش‌های بهشتی را گزارش می‌دهد.
- ۶- سرانجام با خوف دادن شدیدی از عذاب نزدیک، و سپس تداعی فرجام دردناک کافران سوره پایان می‌گیرد.

همچنین نامگذاری این سوره به جهت تفسیری است که در آیه دوم آن آمده است، و بعضی مواقع از آن به عنوان سوره «عم» به مشابهت آیه نخستین آن وصف می‌شود. (مکارم شیرازی، بی تا؛ ج ۵: ۳۷۸)

بخش تطبیقی پژوهش

هالیدی به پیروی از مکتب زبان‌شناسی پراگ نام عنصری که در آغاز می‌آید را آغاز می‌گذارد که موضوع و مسأله‌اساسی پیام است. پس از آغاز، عنصر دیگری می‌آید که به پیروی از مکتب پراگ نامش را دنباله می‌نهد؛ کارکرد این عنصر، خبر دهی و گزارش از عنصر آغاز است. هالیدی معتقد است که متنیت متن از خلال دو ساختار متمایز آغاز دنباله و اطلاع رقم می‌خورد. (ر.ک: هالیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۶۴؛ شیرزاد، ۱۳۹۵: ۵)؛ از نظر ایشان بند به یک واحد زبانی اطلاق می‌شود که شامل ترکیب سه نوع معنای متفاوت یعنی متنی، تجربی یا بازنمودی و بینافردی» (هالیدی، ۱۹۸۵: ۷۹) که در اینجا با توجه به موضوع به توضیح معنای متنی، کفایت می‌کند.

معنای متنی عبارت است از ساختار آغازین (مبتدایی) و به دیگر عبارت، معنای متنی همان نقش بند است در مفهوم پیام (هالیدی، ۱۹۸۵: ۷۹) بند همانطور که بیان شد از منظر فرانکش متنی به آغازگر و پایان بخش تقسیم می‌شود. «آغازگر، عاملی از بند است که پیام درباره‌ی آن است. در اکثر زبان‌های دنیا اولین سازه‌ی بند آغازگر است. آغازگر نقطه‌ی حرکت پیام است و جز آن هر چه از بند باقی می‌ماند پایان بخش است؛ چرا که بند را با بیان مطلبی درباره‌ی آغازگر به پایان می‌رساند البته، اولین عامل بند به شرطی می‌تواند آغازگر باشد که نقشی در ساخت تجربی بند داشته باشد.» (ر.ک: هالیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۶۴ - ۶۶)

در بازبینی هر متنی با بندهای گوناگونی مواجه خواهیم شد؛ مانند بندهای سؤال، امری، تعجبی و ... که بندهای مختلف بوسیله‌ی پیوندهای ساختاری مانند همپایگی و ناهمپایگی به یکدیگر مرتبط می‌شوند. این پیوندها همان نشانگر گفتمان است که مقصود از آن گروه‌های قیدی یا حروف اضافه‌ای است که هر بند را با بندهای پیشین مرتبط می‌کند. (ر.ک: لاکسار، ۱۳۹۴: ۴۵-۵۰)؛ علاوه بر تقسیم‌بندی مبتدا بر طبق لایه‌های معنایی می‌توان آن را از نظر تعداد سازه‌هایش نیز دسته‌بندی کرد، در این تقسیم دو نوع مبتدا وجود دارد «مبتدای ساده و مبتدای مرکب که به دو گروه نشان دار و بی‌نشان تقسیم می‌شوند. مبتدای ساده فقط دارای یک عامل می‌باشد؛ اما مبتدای مرکب بیشتر از یک عامل دارد. نشان‌داری و بی‌نشانی مفهیمی هستند که به معنا و گزینش آن مرتبط می‌باشند (باتمانی، ۱۳۸۹: ۳۳ - ۳۴) هر چه یک ویژگی اجباری‌تر باشد آن ویژگی کمتر نشانه‌دار خواهد بود و معنای آن ضعیف‌تر می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد، در تشخیص آغازگر بند در این سوره باید دید که اولین سازه‌ی بند چیست؟

هنگامی که پیامبر اسلام سخن از دگرگون شدن دوباره و آخرت مطرح کرد، مؤمن و کافر در صحت آن با هم به دشمنی پرداختند. آیه‌های یک تا پنج سوره نبأ با حالت سؤالی فکر مخاطب را به چالش کشانده‌اند. این آیه‌ها، سطح هیجان درباره نبأ عظیم را بالا برده و بردباری در ردگیری سخن را افزایش داده‌اند.

آیه چهارم و پنجم مراحل گفتمان «نبأ عظیم» و به خلاصه گذاشتن آن و به بیانی تداوم پیوسته آیه یکم سوره نبأ است. هر چند انفکاک (گسست) به فضای جهان گفته‌ای، بسیار کوتاه و لحظه‌ای اتفاق می‌افتد اما مراحل گفتمان به سرعت به مرکز عملیات گفتمان (جایگاه) «خود» گفته‌پرداز باز گشته‌است. همان گونه که در پاسخ به پرسش «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ»، پاره گفته «عَنِ النَّبِإِ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ» آمده‌است، این پاره گفته، پاسخ به سؤالی است که خود خدای بلند مرتبه بیان کرده بود. عظمت آن خبر نیز از توصیفی که برایش به کار رفته، روشن است. «منظور از «خبر عظیم»، خبر دگرگون شدن و رستاخیز است، که قرآن عظیم در سوره‌های مکی و بویژه در سوره‌هایی که در ابتدای بعثت نازل شده تمام سعی خود را در تأیید آن دارد. اسلوب آیه‌های این سوره تأییدی بر این ادعا است؛ چون در این آیه‌ها جز به موضوع رستاخیز، و صفات‌های یوم الفصل، و حجت بر حقیقت و واقعیت آن، به مسأله‌ی دیگری پرداخته نشده‌است» (موسوی همدانی، ۱۹۹۵: ۲۰) اما آیه‌هایی که پس از «نبأ عظیم» آمده‌ایه‌های سوم تا پنجم سوره نبأ - استمرار اتصال به فضای گفته‌پردازی را نشان می‌دهد. روند گفتمان، هنوز بر «نبأ عظیم متمرکز است و به جای گسترش جهان گفته‌ای و تبیین آن، از موضع گفته‌پرداز و گفته‌یاب در مورد آن سخن می‌گوید. توقف در مرکز عملیات گفتمان، و طولانی‌تر شدن مدت زمان حضور در فضای گفته‌پردازی، به معنای استمرار حضور در فضای تعاملی گفته‌پرداز (من تو) با گفته‌یاب، یعنی محل حداکثر انرژی و فشار است. بر این اساس در فرآیند پیوستگی آیه چهارم و پنجم و تداوم حضور در مرکز عملیات گفتمان فشاره‌افزایش می‌یابد. در حالی که گستره متمرکز و منحصر بر «نبأ عظیم باقی مانده‌است. همچنین در آیه‌های «كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ» آوا و صوت معنادار و هشدار دهنده‌ای است که با معنا و مضمون سوره همخوانی دارد. حرف «سین» در این آیه‌ها دارای آوا و تولید کننده صوت و هشدار دهنده‌است. از سوی دیگر، حرف «ثاء» به دلیل صفت تف کردن و بیرون دادن هوا از دهان با معنای بیرون آمدن انسان‌ها از قبر و متفرق شدن آن‌ها ارتباط دارد (بیگلری، ۱۹۹۱: ۱۷۵).

ساخت اطلاع در سوره نبأ

اطلاع کهنه و اطلاع نو مسأله‌ای است که به گوینده نویسنده و شنونده خواننده بر می‌گردد. طبیعی است که پیام متن سوره از منظر گوینده یعنی خداوند اطلاع کهنه است و اطلاع نو در آن معنایی ندارد؛ از آنجا که همه چیز برای خداوند روشن و واضح است، پس تمام پیام

برای او کهنه است اما این مسأله در برابر شنونده یا خواننده اطلاع نو محسوب می‌شود؛ زیرا بواسطه‌ی خواندن و یا شنیدن از این پیام جدید کسب اطلاع نموده‌است. شایان ذکر است که معمولاً محور کلیدی مباحث هر سوره در آیه یا آیات اول آن ذکر می‌شود؛ به گونه‌ای که بین آیه یا آیات نخست هر سوره با تمام آیات آن ارتباط دقیقی برقرار است. می‌توان گفت آیه یا آیات اول هر سوره، فهرست آن به شمار می‌آید و آیه‌اول سوره با دیگر آیات ارتباط تنگاتنگی دارد». (صادقی، ۱۳۹۴: ۶۰)

در آیه نخست که با «عَمَّ» آغاز شده، پرسشی مطرح می‌گردد که اطلاع از آن برای مخاطب نو می‌باشد ولی برای خداوند کهنه است و آن قیامت یعنی «عن النبا العظيم»، خبر بزرگ می‌باشد. پس از پرسش با اطلاعات کهنه برای مخاطب، به این پرسش پاسخ می‌دهد تا مخاطب به اصل پیام متن پی ببرد. باز با طرح پرسش‌های دیگر و با استفاده از اطلاعات کهنه مخاطب یعنی؛ ﴿ألم نجعل الأرض مهادا* والجبال أوتادا* خلقناكم أزواجا* و...﴾ به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد تا مخاطب را متوجه پیام اصلی کلام خود نماید. آیات نخست سوره به خبر مهمی می‌پردازد که مردم درباره‌ی آن می‌پرسند و به قول قرآن به زودی از آن آگاه می‌شوند: ﴿عَمَّ يتساءلون* عن النبا العظيم* الذی هم فيه مختلفون* کلا سیعلمون* ثم کلا سیعلمون﴾ (نبا/۱-۵). اطلاعات نویی که هنوز مخاطب از آن آگاه نیست.

سپس در آیات؛ ﴿ألم نجعل الأرض مهادا* والجبال أوتادا...* وجنات ألفافا﴾ (نبا/۶-۱۶) شواهدی بر وقوع قیامت می‌آورد که برای مخاطب اطلاع کهنه محسوب می‌شود و با تأمل در آن خبر عظیم را تأیید می‌کند، چراکه این مسلمات وی نمونه‌هایی کوچک دال بر نمونه‌ی بزرگ یعنی خبر عظیم است.

در آیات ۲۱ تا ۳۰ اطلاعاتی درباره دوزخ داده شده که علاوه بر بعد آگاهی بخشی هدف دیگری یعنی هشدار و بیم دادن، نیز دارد.

از آیات معروف آن، آیات ۳۱ به بعد است که سرگذشت «متقین» را در قیامت بیان می‌کند. در روایات، منظور از متقین در این آیه امیرالمؤمنین (ع) معرفی شده‌است.

تحلیل عوامل انسجام متنی در سوره نبا

همانگونه که پیشتر ذکر کردیم انواع انسجام را می‌توان به سه گروه انسجام دستوری، انسجام واژگانی و انسجام پیوندی دسته‌بندی کرد. در انسجام متن این سوره نیز ادات گوناگون و متنوعی مؤثر می‌باشند. در ادامه به نمونه‌هایی از آنها اشاره خواهیم کرد.

انسجام دستوری

ارجاع: مهم‌ترین دسته از مقولات انسجام دستوری ضمایر هستند که بیشتر به واژه‌ها یا جملات قبل از خود ارجاع می‌دهند (هالیدی، ۲۰۰۲: ۷). «ارجاع با ایجاد پیوند میان عناصر، موجب به وجود

آمدن انسجام می‌شود. ارجاع، پیوندی است خلال عناصر یا حقایق، که می‌تواند در فاصله‌های مختلفی اتفاق افتد (هالیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۷۰)؛ در آیه اول «عما» به «یتساءلون» باز می‌گردد و متعلق «عن النبأ» در آیه دوم محذوف است؛ در آیه سوم، «فیه به یختلفون» برمی‌گردد؛ در آیه چهارده «من المعصرات» به «انزلنا» برمی‌گردد؛ در آیه پانزده، «به»، به «لنخرج» برمی‌گردد؛ در آیه هجدهم، «فی الصور» به «ینفخ» برمی‌گردد؛ در آیه بیست و دوم «للطاغین» به «مرصاد» برمی‌گردد؛ در آیه بیست و سوم «فیها» به «لا یدوقون» برمی‌گردد؛ در آیه بیست و هشتم «بآیات» به «کذبوا» برمی‌گردد.

در آیات مختلف این سوره بخصوص آیات ۱ تا ۱۶ عنصر ارجاعی گوینده اول شخص جمع و عنصر ارجاعی مخاطب، دوم شخص جمع است.

جدول شماره (۱): ارجاع درون متنی

واژه مرجع	واژه ارجاع داده شده	تعداد ارجاع، آیه
ماء / آیه ۱۴	به	یک بار / آیه ۱۵
جهنم، آیه ۲۱	فیها فیها	یک بار / آیه ۲۳ یک بار / آیه ۲۴
طاغین، آیه ۲۲	إنهم کم	یک بار / آیه ۲۷ یک بار / آیه ۳۰
مفازا، آیه ۳۱	فیها	یک بار / آیه ۳۵
السموات و الأرض / آیه ۳۵	بینهما	یک بار / آیه ۳۵
الرحمن / آیه ۳۵	منه	یک بار / آیه ۳۵
من / آیه ۳۸	له	یک بار / آیه ۳۸
من / آیه ۳۹	ربه	یک بار / آیه ۳۹
المر / آیه ۴۰	یداه	یک بار / آیه ۴۰
الکافر / آیه ۴۰	ی	یک بار / آیه ۴۰

حذف: هنگامی صورت می‌گیرد که یک عنصر پیش تصور شده در متن وجود دارد؛ یعنی چیزی که قبلاً ذکر شده یا شناسانده شده است (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۱۴۴).

حذف‌های انسجامی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ حذف به قرینه لفظی که با آمدن پیاپی واژه یا واژگانی در دو یا چند عبارت و به منظور جلوگیری از تکرار صورت می‌گیرد و حذف به قرینه معنایی که با وجود مفهوم کلی جمله‌ها و عبارات رخ می‌دهد و مخاطب از بافت کلام و مفهوم کلی عبارات، واژه محذوف را درک می‌کند.

در «عم یتساءلون» کلمه «عم» مخفف «عن ما» به معنای «از چه است» و حرف «الف» از کلمه «ما»ی پرسشی حذف شده و این متعلق به این مورد نیست، هر جا که حرف جر بر سر «ما»ی پرسشی درآید، «الف» آن حذف می‌شود. (طباطبایی، بی تا: ۴۵۰).

اگر از دیدگاه بلاغی به آیه «کلا سیعلمون» نگاه کنیم به این درک می‌رسیم که یکی از دلایل حذف دو مفعول «سیعلمون» افاده کلیت است (تفتازانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶). به این منظور که انسان می‌تواند در طول زمان کارهای مختلفی را یاد بگیرد اما دلیل اصلی این حذف رعایت موسیقی کلام و تناسب با فاصله آیات قبل می‌باشد، چرا که محققان قرآنی بر این باورند که بیشترین موارد حذف مفعول زمانی است که کلمه فاصله فعل مضارع مرفوع با «واو» جماعت باشد که حذف به دلیل بافت کلام یا نکته بلاغی انجام می‌شود؛ ولی اگر فعل مضارع در جایگاه فاصله نباشد، حذف کمتر اتفاق می‌افتد. در یک بررسی آماری به این نتیجه رسیده‌اند که دو فعل «یعلمون» و «تعلمون» ۱۲۰ مرتبه به عنوان کلمه فاصله در قرآن بیان شده که در همه موارد مفعول حذف شده‌است که این امر به دلیل «مد» قبل از حرف فاصله و آوا و آهنگ «نون» می‌باشد. (خضر، ۱۴۲۰، ۱۳۰-۱۲۹)

در آیات ۶ تا ۱۶ که جنبه‌ی پرسشی دارند، تک واژه پرسشی «أ» به معنای آیا در آیات پس از آیه ششم به قرینه‌ی لفظی حذف شده‌است که به انسجام متن انجامیده و به زیبایی میان این آیات پیوند برقرار کرده‌است.

جدول شماره (۲): حذف در سوره نبا

آیه	عبارت محذوف	نوع حذف	عبارت همراه محذوف
بسم الله الرحمن الرحيم	أبدأ	فعلی	أبدأ باسم الله الرحمن الرحيم
عن النبا العظيم (۲)	یتساءلون	فعلی	یتساءلون عن النبا العظيم
و الجبال أوتادا (۷)	ألم نجعل	ادات/فعلی	ألم نجعل الجبال أوتادا
و جنات ألفافا (۱۶)	لنخرج	فعلی	لنخرج جنات ألفافا
و فتحت السماء (۱۹)	یوم	اسمی	یوم فتحت السماء
و سیرت الجبال (۲۰)	یوم	اسمی	یوم سیرت الجبال
لا یذوقون فیها بردا ولا شرابا (۲۴)	هم	اسمی	هم لا یذوقون فیها بردا ولا شرابا
حدائق وأعنابا (۳۲)	إن لهم	حرفی/اسمی	إن لهم حدائق وأعنابا
و کواعب أترابا (۳۳)	//	//	إن لهم کواعب و أترابا
و كأسا دهاقا (۳۴)	//	//	إن لهم كأسا دهاقا

آیه	عبارت محذوف	نوع حذف	عبارت همراه محذوف
لا یسمعون فیها لغوا ولا کذابا (۳۵)	هم	اسمی	هم لا یسمعون فیها لغوا ولا کذابا
جزاء من ربک عطاء حسابا (۳۶)	جزاهم	فعلی	جزاهم الله جزءا...
رب السموات والأرض وما بینهما... (۳۷)	رب/ارب	اسمی	رب الأرض و رب ما بینهما
یوم یقوم الروح والملائکة صفا لا یتکلمون إلا من أذن له الرحمن وقال صوابا (۳۸)	یوم/هم/ فی الکلام/قولا	اسمی	یوم یقوم الروح والملائکة صفا هم لا یتکلمون إلا من أذن له الرحمن و قال قولا صوابا
إنا أنذرناکم عذابا قریبا یوم ینظر المرء ما قدّمت یداه ویقول الکافر یالیتنی کنت ترابا	یا کفار مکة/من خیر و شر	اسمی	إنا أنذرناکم یا کفار مکة عذابا قریبا یوم ینظر المرء ما قدّمت یداه من خیر و شر ویقول الکافر یالیتنی کنت ترابا

ربط: از دیگر عوامل دستوری انسجام بخش متن که مانند ارجاع و حذف «اجزای متن را از لحاظ دستوری به هم پیوند می‌دهد، ادوات ربط است. این ادوات رابطه‌ای سازنده بین ویژگی‌های مختلف زنجیره‌های سخن به وجود می‌آورند و در همبستگی متن ایفای نقش می‌کنند. در واقع، این ادوات بخش‌های بعدی متن را نظیر توضیح، گسترش و یا افزونه‌ای به بخش‌های قبلی متن پیوند می‌زنند» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۶۷). در آیات سوره نبأ حرف عطف و او انسجام بخش عبارت‌های معنایی موجود در آیات است. به گونه‌ای که در صورت نبود ادوات ربط بخش‌های مختلف آیات، جدا از هم ظهور می‌کردند. همچنین یک بار حرف ربط «ثم» به کار رفته است و چندین بار هم از حرف عطف (فاء) استفاده شده، که هدف بیان فاصله زمانی میان رویدادها در آیه است.

واژه «عن» نیز که به معنای «از» از ادوات ربط انسجامی است دو آیه را از نظر معنایی و واژگانی به هم پیوند داده است.

انسجام واژگانی

انسجام واژگانی: «درحالی که ارجاع، حذف، ربط از عوامل انسجام در زمینه‌ی دستوری هستند، انسجام واژگانی در حیطه‌ی واژگان شکل می‌گیرد و از روش انتخاب عناصر واژگانی، خلق می‌شود. انسجام واژگانی، شامل پیوند بین عناصر واژگانی است و گوینده یا نویسنده از شیوه‌ی انتخاب عناصر واژگانی در کلام پیوستگی ایجاد می‌کند. انواع پیوندهای

واژگانی عبارت است از تکرار و باهم آبی ...» (هالیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۷۴).

عمده سوره‌های جزء سی‌ام قرآن کریم در مکه نازل شده و به فراخور موضوع که بیشتر حول مباحث اعتقادی همچون توحید، نبوت و معاد است، دربردارنده‌ی آیاتی کوتاه با وزن و آهنگی تند می‌باشد.

در سوره «نبا» به فراخور معنا، وزن‌های گوناگونی استفاده شده‌است. از آیه اول «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ» تا آیه (۳۶) «جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَاباً» که حول موضوع معاد و نیز تشریح برهان بر ظهور آن صحنه‌های قیامت است، آهنگ تند و ضربه زننده آیات مشهود می‌باشد. همچنین از آیه اول تا آیه ۲۹ «فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَاباً» وزن، ضربه زننده است؛ برای اینکه خداوند از طرفی برای منکرین معاد، دلایل و حجت‌ها می‌آورد (آیات ۱۶-۶) و از طرف دیگر در آیات (۱۷-۳۰) از حادثه‌ی هولناک قیامت و نفخ صور و عذاب عصیانگران سخن می‌گوید؛ بنابراین از وزن ضربه زننده و فعال و نیرومند و حروف آشکار که متناسب با چنین جوی است، فیض می‌برد. آیات (۳۶-۳۱) با وجود آهنگ تند، از آهنگ نرم و آهسته هم بهره‌مندند. موسیقی آهسته، اثرپذیر و آرامش بخش بوده و می‌تواند استرس و اضطراب را کم کند؛ از آنجایی که این آیات، صحنه‌ای از بهشت را به تصویر می‌کشند، موسیقی‌ای نیاز است که فراخور آن خانه امن و آرام و به دور از بیم و دغدغه و آشوب باشد. این آهنگ نرم، در گرو صداهای آهسته‌است که در این آیه‌ها به کار رفته‌است از آیه ۳۷ تا ۴۰ نیز که راه بی نهایت آدمی را نشان می‌دهد به دلیل طولانی بودن جایگاه‌های قیامت از آهنگ کند، استفاده می‌کند؛ می‌توان گفت که «قرآن کریم به روش آهنگین پُر از موسیقی هماهنگ با معانی برگزیده‌است، بدون آنکه آهنگ بر معنا و یا معنا بر آهنگ تسلط پیدا کند» (کواز، ۱۳۸۶: ۳۰۷)، موسیقی قدرت تصویرپردازی را تشدید می‌کند و کارایی‌های روحی، درونی و جسمی آن را زیاد می‌کند (کمپ، بل ۱۳۸۰: ۲۶۹). از این رو انواع آهنگ‌ها و آمیزش آواها می‌تواند، تصاویری از بهشت، جهنم، نفخ صور، و ویژگی‌هایی از قیامت مانند مجازات گناه‌کاران و پاداش نیکوکاران را در مقابل چشمان خواننده رسم کند.

مفهوم آواها به آن معناست که «ترکیب آوایی کلمه علاوه بر نقش معنایی و رسانگی خود از گذرگاه مجموعه‌ای از آواها به گونه‌ای غیر مستقیم معنای مورد نظر گوینده را برساند» (شفیعی کدکنی ۱۳۶۸: ۳۱۸). موضوع هدایت و آموختن آواها در قرآن کریم که برای ارائه پیام خود از تکنیک‌های گوناگونی استفاده می‌کند از ارزش خاصی بهره‌مند است؛ برای اینکه در آیات قرآن کریم، افزون بر آمدن لغات خاص و فراخور هر موقعیت و افزون بر ترکیب کلماتی که منظور را آسان و شیوا وارد ذهن می‌کند، از رهگذر آواها می‌توان به معنای کلمه و حال و هوای چیره بر آیات پی برد. برای آشنایی با معانی صوت‌های عربی بازبینی مخارج حروف، الزامی و دوری ناپذیر است. در زبان عربی، صوت‌ها بر اساس مخارج‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

صوت‌های آشکار باصدا و آهسته (بیواک). اولی تولید گروهی از صداهای عربی همراه با لرزش تارهای صوتی و در نتیجه خلق رویداد آوایی به نام مصوت را باعث می‌شوند که عبارتند از:

سوره مبارکه «نبا» از ۲۳۲ کلمه و ۸۶۱ حرف تشکیل شده‌است و بیشتر حروف آن نیز دارای ویژگی آشکار و شدت می‌باشند. حروف پیدا با (۷/۴۵۴۵۲) حرف در مرتبه‌ی اول و حروف شدید با (۱۶) ۵/۱۹ حرف در مرتبه‌ی بعدی قرار دارند. استفاده‌ی بسیار حروف آشکار و شدید با توجه به این که خداوند متعال رهنمون آوایی را در انتخاب واژگان در نظر داشته، کاملاً برنامه‌ریزی شده و حساب شده صورت گرفته‌است؛ برای اینکه مواجهه با مخاطبین نخستین سوره که مشرکین مکه بودند و منکرین معاد، و همچنین محتوای بیشتر سوره که حول رستاخیز و نشانه‌های آن نشانه‌گذاری کردن چشم اندازهای عذاب و ترساندن شدید است؛ همچنین جو سنگین بیقراری و هولناک مسلط بر سوره چنین کثرت وقوع بالایی را فرا می‌خواند. با توجه به همین محتواهای وسیع و فضای سنگین سوره است که در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌خوانیم که ایشان یکی از علل سپیدی زودرس ریشش را سوره «نبا» معرفی کرده‌است (طباطبایی، بی تا؛ ج ۲۰: ۲۴۱)؛ اما آنچه‌از میان این حجم بالای حروف شدت بخش به کار رفته در رابطه با موضوع‌های مورد توجه در سوره «نبا» به گوش می‌رسد، ضربه‌هایی پی در پی، شدید، قوی و بلند است که در گوش انسان‌های بی‌خبر و به خواب سنگین فرو رفته، چنان چکش فرود می‌آید و با آهنگ یکپارچه این اخطار را در گوششان تکرار می‌کند که بیدار شوید، مشاهده کنید، فکر کنید که خدایی و چاره‌ای و حسابی و آزمایشی و پاداشی و عذایی شدید و سعادت‌ی بزرگ هست (ر.ک: قطب، ۱۹۸۸، ج ۲۶: ۳۸۰۰ به بعد). این امر در سوره «نبا» که شامل صحنه‌های مزاحم و همگانی و پر سر و صدای قیامت است و چشم انداز رسیدگی به اعمال مجرمان و نیکوکاران را به گونه‌ای دقیق، کوبنده و تکان دهنده به تصویر می‌کشد شگفتی آور نیست. می‌توان گفت که آیات این سوره از رهگذر آواهای موجود در آن، پیام هشدار خداوند متعال را بنا به وجود روز جزا در گوش آدمی زمزمه کرده و او را به اقدام به اوامرش احضار می‌کند تا به این ترتیب راه خوشبختی را طی کرده و به خوشبختی همیشگی دست یابد و در دسته کسانی نباشد که با بازکردن نامه عمل و دیدن کارکرد دنیایی خود فریاد (یا لیتنی کنت ترابا) سر دهد.

حروف آهسته با ۵/۱۹ (۱۶۸) حرف و حروف رخو با ۴/۱۳ (۱۱۶) حرف از تکرار ناپیچ در سوره بهره‌مند می‌باشند که این استعمال با توجه به موضوع مشرف سوره کاملاً پسندیده و منطقی به نظر می‌رسد. چون طبیعت این دو نوع از حروف به گونه‌ای است که بیشتر برای نشانه گذاری فضای امن و آرام و پر نعمت مانند بهشت از آن استفاده می‌شود که در این سوره تنها آیات ۳۶-۳۱ به این فضا تعلق پیدا کرده‌است. انسجام واژگانی «حدائق،

أعنان، کواعب، أتراب» و ادات ربط «واو» عطف از عناصر انسجام بخش متن در این بخش محسوب می‌شود.

در آیات ۶ تا ۱۶، حرف‌های «الف»، «جیم»، «عین»، «لام»، «میم»، «نون» و «واو» که همگی از حروف آشکار شده، هستند، در بیشتر آیه‌های ۶ تا ۱۶ سوره نیا تکرار شده و باعث پیوستگی زنجیروار واژه‌های این آیه‌ها باهم شده‌است. این انسجام و همبستگی حروف و واژه‌ها موسیقی قوی، پر سر و صدا و هیجان‌انگیزی برای این آیه‌ها تولید کرده‌است. تکرار شدن حرف «جیم» در این آیه‌ها که از حروف درختی است و دارای ویژگی‌های آشکار، شدت ساکت شدن و فریاد کردن است (خالقیان، ۲۰۱۰: ۲۰۶)؛ باعث تولید موسیقی شدید، قوی سرشار از حرارت و ثبات شده‌است (عباس، ۱۹۹۸: ۱۰۵) همچنین نکره آمدن بسیاری از واژه‌ها نشانه عظمت و بزرگی آفرینش خداوند است. فن قافیه در واژه‌هایی مانند «مهادا - أوتادا - زواجاً و سباتاً - لباساً - معاشاً - شداداً وهاجاً تجاجاً - ألفافاً» و تناسب در واژه‌هایی مانند «و الأَرْضُ - الجبال - اللَّيْلُ النَّهَارَ - سراجاً وهاجاً - ماء - حَبًا وَ نَبَاتًا - جَنَاتٍ» و تضاد تکنیک‌هایی هستند که در این آیه‌ها به کار رفته‌است. همگی این موارد بر آهنگ درونی واژه‌ها در اظهار مصادیق ارزشمند تأثیر گذاشته‌است. واژه «المعصرات» نیز با موسیقایی خود فشردگی و انباشتگی را بیان می‌کند، زیرا حرف «میم» دارای واجگاه شفوی بوده و در برخورد با «عین» که واجگاه حلقی دارد، به دلیل دوری واجگاه‌ها، موسیقی شدیدی به واژه می‌دهد. این موسیقی بر شدت معنای اخذ شده از واژه دلالت می‌کند. واژه «معصرات» جمع «معصر» از ماده «عصر» به معنی فشار، گرفته شده‌است. همچنین واژه «معصرات» اسم فاعل است که اشاره به ابرهای باران‌زا دارد، انگار خودش را می‌فشارد تا آب از درونش فرو ریزد (مکارم شیرازی، ۱۹۹۵: ۲۶). همچنین حرف «صاد» با صفت‌های «اصمات»، «اطباق»، «استعلاء»، و حرف «ر» مفتوحه که صفت بزرگ شمردن را همراه با مد در بر دارد، بر این فشردگی و انبوهی اضافه می‌کند (خالقیان، ۲۰۱۰: ۶). همچنین حرف «صاد» که دربرگیرنده‌ی ویژگی‌هایی مانند، صداقت، پاکی و زلالی است (عباس، ۱۹۹۸: ۱۵۱)، به صورت مفهومی با معنای کلمه ارتباط دارد و بر آن تأکید می‌کند؛ همچنین واژه «تجاج» از ماده «تج» (بر وزن حج) به معنی فروریختن آب بطور پشت سر هم و فراوان اشاره دارد. همچنین، با توجه به اینکه «تجاج» صیغه مبالغه‌است، کثرت و فزونی بیشتری را بیان می‌کند. با توجه به این موارد، به طور کلی معنی آیه از این قرار است که ما از ابرهای باران‌زا آبی فراوان و پی در پی نازل کردیم. نکته مهم، اتصال این آیه‌ها با مسأله معاد است (شیرازی، ۱۹۹۵: ۲۶). در این آیه‌ها گفته‌پرداز با حرکت در «گفتم» و «گو» افزایش هیجان و عاطفه با بیان و دلیل به دنبال تأیید قدرت خود و نظم حاکم بر جهان آفرینش است.

باهم آبی

کلماتی است که در یک محیط واژگانی می آیند (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۲۷۴) در آیات (۶-۱۶). این آیه‌ها مشتمل بر واژه‌های زمین، کوه، زوجین، انسان‌ها، نوم، لیل، نهار، هفت آسمان، چراغ بسیار شعله‌ور، ابرهای فشرده، آبی ریزان، دانه و گیاه، باغ‌های درهم پیچیده و پر درخت‌اند. همان طور که مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ۱۹۹۵: ۶۷) می‌نویسد، در این آیه‌های یازده‌گانه به دوازده نعمت مهم، با تفسیرهایی عجیب شده با لطف و محبت و همراه با دلیل و برانگیختن احساسات اشاره شده‌است، برای اینکه اگر در کنار دلایل عقلی گستره، شناختی، احساس و نشاط روحی (فشاره عاطفی) نباشد، توان آن کم است (مکارم شیرازی، ۱۹۹۵: ۱۶) این آیه‌ها با اشاره به نظم موجود بر آفرینش و هدفدار خواندن خلقت، فضاسازی می‌کنند تا امکان ظهور قیامت را برای مخاطب تعبیر کنند.

آیات ۲۱ تا ۲۸ جهنم یا سوژه‌هایی مانند مرصاداً - مآباً - أَحْقَاباً - بَرْدًا وَ لَا شَرَاباً - حَمِيمًا وَ عَسَاقًا - جزاءً وفاقاً حساباً - کذاباً، پیوند داده شده‌است.

انسجام پیوندی

انسجام پیوندی ارتباط معنایی و منطقی (در این مورد، روابط معنایی و منطقی موجود میان عبارات، بندها و پاره گفتارها مهمترین عامل ایجاد همبستگی و اتحاد متن است) کلام است. گفتنی است که ویژگی کوتاهی آیات و مقاطع و آهنگ شدید و سریع در آیات (۱-۳۵) این سوره به چشم می‌خورد که پیرامون «نبا عظیم» و گواهی‌های آفرینش و جایگاه و مراحل انسان و جهان است؛ اما هرچقدر که آیات به آخر سوره که اشکار شدن مسیر بی پایان است نزدیک می‌شود بر این شدت اضافه می‌شود. هر متنی برحسب موضوع موردنظر از کلمات فراخور با آن استفاده کند تا خواننده‌از میان صرف آن‌ها که معمولاً در سراسر متن نیز پراکنده‌اند پی به موضوع برده و تفسیر درستی به کارگیری حضور این واژه‌ها در متن، مخاطب را در جو اطلاعاتی خاصی قرار می‌دهد. بر این اساس، حضور واژگانی (رمزگانی همچون «النبا العظیم»، «یوم الفصل»، «نفخ الصور»، «جهنم»، «حمیم»، «طاغین»، «عساق»، «جزاء»، «عذاب»، «متقین»، «مغزاً»، «ذلک» «الیوم» و «عذاباً قریباً») در سوره «نبا»، ذهن مخاطب را با توجه به دانش سابق دینی اش به مسأله معاد و سرگذشت نحس بدکاران و عاقبت خوب پرهیزگاران متوجه می‌کند که خود یکی از پایه‌های اساسی جهان بینی توحیدی می‌باشد؛ از این رو شنونده قرآن از راه این رمزگان مرتبط با دین و معاد که کلمه‌های کلیدی سوره را نیز تشکیل می‌دهند، قادر به هویدا کردن گفتمان دینی و تفکر آخرت گرایی موجود در سوره خواهد شد که نتیجه‌ان، ضرورت بندگی و اطاعت از خداوند بلندمرتبه دنیا گریزی مرگ اندیشی و علاقه به قیامت می‌باشد.

نتیجه‌گیری

از پژوهش حاضر نتیجه می‌گیریم:

- در سوره نبأ عوامل دستوری و لغوی و معنایی در ارتباط با هم ایجاد همبستگی نموده‌اند؛ از میان این عناصر، عناصر واژگانی و لغوی، اولین و مهمترین عامل انسجام و همبستگی متن در این سوره می‌باشد.

- از جمله شگردهای انسجام واژگانی در این سوره واج آرای، تکرار واژه جناس، تناسب و تضاد و... می‌باشد.

- عنصر تکرار در این سوره بطوری آهنگ متن را تحت تأثیر قرار داده و به متن ضرب‌آهنگ خاصی بخشیده‌است که سبب هماهنگی و پیوستگی متن شده و در آموختن معنی بسیار مؤثر افتاده‌است.

- استفاده از عنصر تکرار و حذف‌هایی که برای تأکید آمده نیز با عناصر انسجام متن نظریه هالییدی و حسن مطابقت دارد.

- باهم آیی یا تناسب واژگانی، از دیگر عوامل بنیادین در ایجاد انسجام به شمار می‌آیند. صنایع مختلف لفظی و معنوی موجب هماهنگی صوری و محتوایی متن شده‌اند.

- با بررسی مشخصه‌های همبستگی در سوره نبأ می‌فهمیم که هر قدر تعداد استفاده از فن‌های همبستگی - دستوری، لغوی یا معنایی - در این سوره با هم مختلف است؛ اما آیاتش بسیار یکپارچه و جمله‌ها و عباراتش عجین شده و از نظر موضوع آیات به هم مرتبط‌اند و پایه‌های مشترکی در ایجاد هماهنگی و پیوستگی متن آن مؤثر است.

- حروف ربط و ضمایر طبق بافت سخن به مواردی اشاره دارد یا میان آیه‌های پیش و پس ارتباط برقرار کرده و بیانگر موضوعات آیات پیشین است.

منابع

- آقا گل زاده، فردوس. (۱۳۹۴). تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، دانشگاه تربیت مدرس.
- باتمان، هوشنگ. (۱۳۸۹). تحلیل سوره یاسین براساس نظریه سیستمی نقشی هالیدی، رساله‌ارشد، دانشگاه رازی.
- بیگلری، حسن. (۱۳۷۰). سر البیان فی علم القرآن، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- تفتازانی، سعد الدین. (۱۳۸۸). مختصر المعانی، قم: موسسه دارالفکر.
- خالقیان، ام البنین. (۱۳۸۹). موسیقی جزء سی و نمود آن در ۴ ترجمه قرآن، تحقیقات علوم و قرآن، سال هفت، شماره دو، صص ۱۸۳-۲۱۳.
- خضر، السید. (۱۴۲۰). الفواصل القرآنیة، القاهرة: مكتبة الآداب.
- سیدی، سیدحسن. (۱۳۹۱). تحلیل گفتمان آیات مربوط به دو جزء آخر قرآن، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، دوره ۱۸، شماره ۳-۲۱.
- سیدی، سید حسن. (۱۳۹۰). زیباشناسی آیات قرآن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۶۸). موسیقی شعر، تهران: انتشارات آگاه، چاپ دوم.
- شیرزاد، محمد حسن. (۱۳۹۵). بازخوانی گزاره‌انما الربیع مثل الربا، تحلیلی سه سطحی مبتنی بر زبان‌شناسی نقشگرا، دو فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، دوره ۵، شماره ۱-۱۶.
- صادقی، علی. (۱۳۹۴). تفسیر ساختاری سوره کوثر بر پایه نظریه زبان‌شناسی نقشگرای نظام بند هالیدی، فصلنامه علمی پژوهشی، مطالعات تفسیری، دوره ۶، شماره ۴۵-۶۶.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات حوزه علمیه.
- عباس، حسن. (۱۹۹۸). خصائص حروف العربیة و معانیها، دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
- قطب، ابراهیم شاذلی. (۱۹۸۸). فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشرق.
- کمب بل، دان. (۱۳۸۰). اعجاز موسیقی، ترجمه: منیژه شیخ جواد، تهران: نشر محمد.
- کواز، محمد کریم. (۱۳۸۶). سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن، ترجمه: سید حسین سیدی، تهران: سخن.
- لاکسار، حسین رضایی. (۱۳۹۴). سبک‌شناسی تطبیقی حکایت‌های تفسیر سوره یوسف با داستان‌های کشف‌الأسرار، پژوهشی در چارچوب فرآیند متنی، رساله‌ترشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- لاینز، جان. (۱۹۸۴). درآمدی بر معناشناسی زبان، ترجمه کوروش صفوی، تهران: نشر علمی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۶). تفسیر نمونه، تهران: دت‌راکتب الاسلامیه.
- موسوی همدانی، محمد باقر. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۵.
- مهاجر، مهران و نبوی، محمد. (۱۳۷۶). به سوی زبان‌شناسی شعر، رهیافتی نقشگرا، تهران: نشر مرکز.
- Butler, C. S. (2003), Structure and Function: A Guide to Three Major Structural Functional Theories, part 1, Amsterdam, philadelphia: John Benjamin PublishinCompany
- Halliday, M.A.K & Christian, Matthiessen. (2004). An Introduction to Functional Grammar, New York: Oxford University Press Inc
- Halliday, M.A.K., 1985, 2004, An Introduction to Functional Grammar, revised edition London, Edward Arnold
- Halliday, M. A. K (2002). Linguistic Studies of Text and Discourse. London: Continuum. Mikk, Jaan. "Analysis of Textbooks (2000)." In Textbook: Research and Writing, by Jaan Mikk. Frankfurt: Peter Lang.
- Halliday, M,A,K. & Hasan,R. (1976), Cohesion in English .London: Longman
- Jorgensen Marianne and louise Phillips (2002), Discourse Analysis As Theory and Method, SAGE Publications,London,Thousand Oaks New Dehli, First Published.

Bibliography

- Agha Golzadeh, Ferdous (2014), critical discourse analysis, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company, Tarbiat Modares University.(in Persian)
- Batman, Hoshang (2008), Analysis of Surah Yasin based on Halliday's role-system theory, senior thesis, Razi University. (in Persian)
- Biglari, Hassan (1991), Sir Al-Bayan Fi Alam Al-Qur'an, Tehran: Sana'i Library Publications. (in Persian)
- Taftazani, Saad al-Din (2008), Khazrat al-Ma'ani, Qom: Dar al-Fikr Institute. (in Persian)
- Khaleqian, Umm al-Binin (2008), music of part thirty and its appearance in 4 translations of the Qur'an, Science and Qur'an Research, Year Seven, Number Two, pp. 213-183. (in Persian)
- Khizr, Al-Sayyid (1999), Al-Favasel al-Qur'aniya, Cairo: School of Literature. (in Arabic)
- Seidi, Seyed Hossein (2012), discourse analysis of the verses related to the last two parts of the Qur'an, Qur'anic Research Quarterly, Volume 18, Number 21-3. (in Persian)
- Seidi, Seyyed Hassan (2011), Aesthetics of Qur'anic Verses, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. (in Persian)
- Shafi'i Kodkani, Mohammad Reza (1989), Poetry Music, Tehran: Aghah Publications, second edition.- Shirzad, Mohammad Hassan (2016), re-interpretation of the statement Inma al-Rabi like al-Raba, a three-level analysis based on role-oriented linguistics, two quarterly scientific research journals of Qur'an linguistic research, volume 5, number 16-1. (in Persian)
- Sadeghi, Ali (2015), Structural interpretation of Surah Kauthar based on Holliday's systematic role-oriented linguistics theory, scientific research quarterly, interpretative studies, volume 6, number 66-45. (in Persian)
- Tabatabai, Muhammad Hossein (1995), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom: Seminary Publications. (in Persian)
- Abbas, Hassan (1998), Characteristics of Arabic letters and their meanings, Damascus: Ittihad al-Kitab al-Arab. (in Arabic)
- Qutb, Ebrahim Shazli (1988), in the shadows of the Qur'an, Beirut: Dar al-Sharq.(in Arabic)
- Cambell, Don (2013), Music Miracles, translated by: Manijeh Sheikh Javadi, Tehran: Mohammad Nahr.- Kovaz, Mohammad Karim (2006), Stylistics of the Rhetorical Miracles of the Qur'an, translated by Seyyed Hossein Seidi, Tehran: Sokhon. (in Persian)
- Laksar, Hossein Rezaei (2014), comparative stylistics of the stories of the interpretation of Surah Yusuf with the stories of Kashf al-Asrar, a research in the framework of transtextual roles, Tarshad treatise, Institute of Humanities and Cultural Studies. (in Persian)
- Lines, John (1984), An Introduction to Language Semantics, translated by Korosh Safavi, Tehran: Scientific Publishing House.
- Makarem Shirazi, Nasser (1995), Tafsir al-Nashon, Tehran: Detraaktab al-Islamiya. (in Persian)
- Mousavi Hamdani, Muhammad Baqir (1974), translation of Tafsir al-Mizan, Qom: Islamic Publications Office of the seminary seminary community, vol. 5. (in Persian)
- Mohajer, Mehran and Mohammad Nabovi, (1997), Towards Linguistics of Poetry, Naqshgara Approach, Tehran: Nash-e-Karzan. (in Persian)
- Butler, C. S. (2003), Structure and Function: A Guide to Three Major Structural Functional Theories, part 1, Amsterdam, philadelphia :John Benjamin PublishinCompany
- Halliday, M.A.K & Christian, Matthiessen. (2004). An Introduction to Functional Grammar, New York: Oxford University Press Inc
- Halliday, M.A.K., 1985, 2004, An Introduction to Functional Grammar, revised edition London, Edward Arnold
- Halliday, M. A. K (2002). Linguistic Studies of Text and Discourse. London: Continuum. Mikk, Jaan. "Analysis of Textbooks (2000)." In Textbook: Research and Writing, by Jaan Mikk. Frankfurt: Peter Lang.
- Halliday, M.A,K. & Hasan,R. (1976), Cohesion in English .London: Longman
- Jorgensen Marianne and louise Phillips (2002), Discourse Analysis As Theory and Method, SAGE Publications,London,Thousand Oaks New Dehli, First Published.